

آذربایجان و استوره

افراسیاب و دریاچه چینه چسته، آتشکده شاهانه و شیز و ... چرا آذربایجان؟

چرا بسیاری از استوره های ایرانی به راهی با آذربایجان پیوند دارد؟

یکی از راههای دریافت دیدگاه استوره ها دنبال کردن منطق خود استوره است. در اینجا، افراسیاب کشنده سیاوش است. چرا؟ زیرا افراسیاب ویران کننده چشمه ها و کور کننده کاریزها ست. راه آبهای روان بند می آورد، و سیاوش گیاه است، از همین رو او را برای پروریدن به رتوته_ اوس_ تخمن / rauta- us-taxman/ رودخانه به بیرون روان / رستم سپرده بودند. اینک افراسیاب در کرانه آب چنه چسته/ اورمیه برای ایزد بانوی آبها، اناهیتا، قربانی می کند، به پوزشخواهی.

دو دیگر، شمار انبوهی از استوره ها، باورها، آیینها و باز آفرینی این جهانی استوره های ایرانی در آذربایجان/ آثروپاتیکان/ ماد کوچک روی می دهد. همچون همین نمونه افراسیاب، یا برپایی آتشکده شاهي در شیز/ تخت سلیمان در شاهنشاهی ساسانی. همچنانکه پیش از ایشان در روزگار اشکانیان ماد کوچک را آتشان/ آثروپاتیکان خواندند. چرا؟

انگیزه های گذشتگان همچنان نیازمند واکاوی ست. ولی چند نکته ای بر این نگارنده آشکار است:
_سپید پوشی در سوگ، در بسا روستاهای پیرامون اورمیه زنان روسری سپید بر سر می نهند که سوگوارند.
همچون سیستانیان و ایرانیان خاوری هم از روزگار دور (نک به تاریخ بیهقی و سوگ سلطان محمود غزنوی)، یا برخی روستاهای مازندران. زیرا در بینش آریاها (=هند و ایرانیان) جایگاه مردگان در جهان برین بود. نزد مردم میانرودان، ولی، جای مردگان جهان زیرین، تیره، سیاه.
_آلپاسی، نهادن تکه ای از پوست یا استخوان گرگ نزد زن زائو برای نگهداشت جان او و نوزادش از تازش مرگبار "آل". همچنان که در بختیاری چنین می کنند.

_آیینهای آب، در آذربایجان آیینهای بزرگداشت آب و نیاز بردن به آب/ ایزد بانو اناهیتا، و آرزوی سالی کامیاب در بامداد فردای چهارشنبه سوری ویژه زنان است، هنگامی که مردان دور شده باشند. برای نمونه در رشید آباد. کمتر جای ایران برگزاری آیین را چنین پر آب و تاب می توان دید.

نیایشگاه ایزدبانوی آبهای روان در کنگاور و یا در فارس خود نشانه سراسری بودن این باور، بزرگداشت آب روان، و آیینهای پیوسته بدان است.

جنگ بس، در اردبیل و در آران (=جمهوری آذربایجان)، هنگامی که بانویی بزرگ روسری خود را به میان دو گروه درگیر نبرد بیندازد هر دو گروه باید از جنگ دست بکشند، فرمان مرگ بس است که از سوی سرچشمهء زندگی / زن / نمونه این جهانی اناهیته آمده. همچون در بختیاری. هر که چنان نکند بی آبرو خواهد شد، بی گمان و برای همیشه.

ازینرو شاید بتوان گمان برد که پایدار ماندن باورهای کهن ایرانی در آذربایجان مایه آن شده است که بسیاری از رویدادهای تاریخی نیز از آن سرزمین دانسته شود .

خود نام آذربایجان / آثروپاتیکان = نگهبان آتش به خودی خود نشان از تقدس این بخش از ایران در بینش ایرانیان است.

دو دیگر، زادگاه زرتشت نیز همین بخش کشور دانسته شده است. و سومین نکته این که ارجمندترین آتشکده ایران نیز همینجا بوده است؛ آتشکده آذرگشنسب در شیز که امروزه تخت سلیمان خوانده می شود. این آتشکده ویژه شاهان و سران ارتش بود. هر یک از شاهان ساسانی پس از تاجگذاری به دیدار یا زیارت این آتشکده می رفتند.

محل دستگیر شدن افراسیاب برابر نوشته اوستا

در زامیاد یشت اوستا چنین آمده است که افراسیاب تورانی در دریای فراخکرت (گسترده) سه بار خواست فر ایزدی را به دست آورد ولی هر بار فر به سوی یکی از رودخانه های آب غزّار (رود سیلابی)، ونگهزده (بهتر دهنده) و اوژدان ون (دارنده آب [صاف] رود) شتافت. این دریای فراخکرت باید مراد همان دریاچه چیچست (ارومیه) باشد که در یشتها با صفت ژُفره اوری آپه (آبهای ژرف و گسترده) آمده است. چون مطابق درواسپ یشت محل دستگیر شدن افراسیاب تورانی روبروی دریاچه ژرف و پهن چیچست است. این سه رودخانه های مهم و کنار هم شهرستان مراغه یعنی سیل چایی (رود سیلابی) یا همان رودخانه روستای چیکان (شیچیکان دینکرد، محل نگهداری اوستای عهد ساسانی)، موردی چای و رود صافی شهر مراغه همخوانی دارند. امتداد دریاچه چیچست در عهد باستان در دره مراغه تا خود شهر مراغه می رسیده است. همخوانی موردی چای با ونگهزده (بهتر دهنده) نشانگر آن است که از رود مقدس اوستایی مهم این منطقه یعنی ونگهو دائیتی (نیکی دهنده) هم که رود روستای زادگاهی زرتشت به شمار می رفته، همین رودخانه مراد بوده است. این هر سه رود از دامنه های جنوبی کوه سهند سر چشمه گرفته و به دریاچه ارومیه می ریزند Javad Mofrad .